

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

گزارش ها	Reports
----------	---------

گزارشگران پورتال-افغانستان

۱۱/۰۱/۰۹

در افغانستان چه می گذرد؟

(۹۸)

سخنگوی وزارت داخله در آخرین جلسه سال ۲۰۱۰ :

زمری بشری سخنگوی وزارت داخله در آخرین جلسه سال ۲۰۱۰ اعلان کرد که در طول این سال با اینکه پولیس «پیشرفت» هائی داشته است باز هم ارقام امنیتی زیر وجود داشته اند: در سر تا سر افغانستان در این سال طالبان و القاعده ۳۶۱۷ بار حمله نموده که ۱۲۹۲ پولیس به قتل رسیده اند. ۲۴۴۳ فرد ملکی کشته شد اند و طالبان ۵۲۲۵ تن تلفات داشته اند. ۵۷ کمپنی امنیتی خلع سلاح شده و دولت ۷۰۲۲ میل سلاح را به دست آورده است. در این سال ۱۷۱ تن مواد مخدر را کشف و ضبط نموده و ۱۶۵ تن مواد کیمیاوی که برای ساختن هیروئین به کار می رود را به دست آورده است. ۶۷ لابراتوار تولید مواد مخدر از بین رفته و ۲۶۰۰ بوتل شراب را دستگیر کرده است. تعداد عملیات انتحاری در این سال ۱۰۹ حمله و تعداد انفجار مین ۲۳۰۹ بار بوده است. در حالیکه در این سال ۳۶۰۰ تن مواد مخدر تولید شده و برای پروسس آن ۱۳ هزار تن مواد کیمیاوی وارد افغانستان شده است. در این سال تعداد تلفات نیرو های خارجی در افغانستان ۷۰۹ تن است که بیشترین آن ها را نیرو های امریکائی در بر می گرفت. این تلفات در ۲۰۰۹ به ۵۲۱ نفر می رسید که ۱۸۸ نفر در سال ۲۰۱۰ افزایش داشته است.

پاسداران ایرانی بر بیست تن از اجساد کارگران افغان می خندیدند:

برخورد فاشیستی و غیر انسانی پاسداران ایران با کارگران افغان از سالها به این سو نزد همه مردم دنیا روشن بوده و به طور مستمر در مطبوعات جهان انعکاس یافته، اما این بار اول است که فلم ویدیوئی این برخورد وحشیانه و فاشیستی از طریق تلویزیون طلوع پخش می گردد. در این فلم نشان داده می شد که پاسداران سرحدی ایران در منطقه ای میان زابل و زاهدان بیست تن از کارگران افغان را بعد از آنکه تیر باران نموده که بعضی کشته و عده ای زخمی شده، با خنده، تمسخر و شادی در کنار آنان ایستاده و در حالیکه از این عمل شان لذت می برند، از کشته

و زخمی های که به خود می پیچند، تصویربرداری می کنند. اینکه این فلم ویدیویی چگونه گرفته شده و در دسترس تلویزیون طلوع قرار گرفته تا هنوز روشن نیست، اما برخی ها به این باورند که چون این تلویزیون با وزارت خارجه آمریکا در تماس نزدیک قرار دارد، احتمال می رود که از طریق ماهواره گرفته شده باشد و در اختیار طلوع قرار داده شده باشد. در کنار این کشته ها موترپاسداران ایستاده است و تصاویر، تصویر برداری این پاسداران شرفباخته ایران را به طور واضح نشان می دهد.

دو سال قبل حدود ۱۵ تن از افغانهایی که از ایران به سوی افغانستان درحال برگشت بودند، همین پاسداران جلا در منطقه گندم دره آنان را به گلوله بستند و اکثر شان را شهید نمودند. چند ماه قبل نیز پاسداران ایرانی بر مرز نيمروز در نزدیکی زهک ۶ نفر افغان را به تیر بستند و دو هفته قبل یک زن افغان حین عبور از مرز، باز هم هدف گلوله پاسداران مرزی ایران قرار گرفت و جان داد. مقامات دولتی اداره مستعمراتی در زرنج، این قضایا را تأیید کرده و پیوسته از مداخلات ایران در امور داخلی افغانستان اظهار نگرانی کرده اند، اما صدای آنها در هیچ جایی شنیده نمی شود.

دولت فاشیست ولایت فقیه که برای اخراج کارگران افغان از هیچ خشونت دروغ نمی کنند؛ علاوه به این که از بسیاری آنان پول می گیرند، این کار به برنامه تفریحی امنیتی های ایرانی در شهر ها و مرز ایران مبدل شده، کسانی که یکبار به تل سیاه و یا سنگ سفید رفته باشند، می دانند که برادر گوئی های برخی از مقامات ایرانی در کابل با اصل برخورد های آنان در زاهدان و مشهد چقدر تفاوت دارد. دو سال قبل وقتی دولت ایران ۸۰ هزار آواره افغان را از ایران خارج می ساخت، تصویر کشته و زخمی های بسیاری از تلویزیون های افغانستان پخش گردید که از مرز نيمروز به این سو عبور داده می شدند. در حالیکه تمام مردم افغانستان آن برخورد های ماورای جنایتکاری رژیم آخندی ایران را دیدند و جعلی نبودند، ادعای جعلی بودن این فلم از سوی سفارت ایران که همه اعضای آن از اطلاعاتی های ایران اند و مخصوصاً سفیر آن فداحسین مالکی که یکی از جلادان به نام رژیم سفاک ولایت فقیه است، نزد افغانها مسخره و غیر قابل قبول می باشد.

با پخش این فلم از طریق تلویزیون طلوع که «دهقانی» یکی از سر جواسیس ایران که در سفارت ایران ظاهراً مسئولیت نشراتی را به عهده دارد، این کار را بی مهری تلویزیون طلوع می خواند، عده ای از مردم ولسوالی تیوره ولایت غور نیز که در قندهار به کار و مزدوری اشتغال دارند، کلیپ های تصویری برخی از اعضای خانواده های شان را به رسانه ها نشان داده که ایران بعد از کشتن افغانها، شکم های شان را دریده و اعضای حیاتی بدن شان را می دزدند و بعد این اعدامیان با شکم های دریده و بعد دوخته شده به خانواده های شان تحویل داده می شود. همین اکنون حدود پنج هزار افغان در زندان های ایران زندانی اند که حکم اعدام سه هزار تن شان از سوی محاکم ایران اعلان شده است که چند ماه قبل بیش از ۵۰ تن آنان اعدام و اجساد شان در هرات و نيمروز به بازماندگان آنان تحویل داده شد و در بدل هر جسد حدود دو هزار دالر از بستگان اعدام شده ها طلب گردید که عده ای آن را پرداختند و اجساد پسران و برادران شان را خریداری کردند، اما بعد از آنکه در این مورد واکنش هائی در افغانستان به وجود آمد و دولت سفاک آخندی ایران به باد استهزا و دشنام قرار داده شد، دولت ایران اعلان کرد که بعد از این اجساد اعدام شده ها را، به خانواده های شان تحویل نمی دهند و به این خاطر معلوم نشد که به سلسله اعدام های سه هزار تن، چند نفر آنان تا حال به پای چوبه دار رفته اند و از روابط حسن همجواری فاشیسم ایرانی بهره برده اند.

بعد از تجاوز غربی ها به افغانستان و به قدرت رسیدن جنگسالاران و مزدوران تکنوکرات ایرانی، وضعیت زندگی در افغانستان به شدت بد و بدتر شد و جوانان افغان به اثر فقر و بیکاری جبراً به ایران فرار کردند، تا نیروی کار خود را در بازار های ایران به فروش برسانند، اما دیده شده که بخش اعظمی از یک میلیون معتاد افغان در ایران به اعتیاد کشانده شدند و اکثر آنها عمدی بوده، طوری که سرمایه داران و کار فرمایان ایرانی با در اختیار قرار دادن مواد مخدر، کارگران جوان افغان را به این بلا مبتلا ساخته، بعد از آنکه دیگر توان کار را ندارند به افغانستان فرستاده می شوند.

در برابر این کشتار پاسداران ایرانی کرزی و حواریون او که خود به جاسوسی ایران کمر بسته و هر ماه چند بار بسته های یورو را از طریق جاسوس معلوم الحالش داوودزی که رئیس دفتر کرزی است دریافت می دارد، چنان ساکت و خموش است و سرخم و چشم خم به آن می نگرد که جز تف ریختن بر جبین آنان نمی توان کاری کرد. رسانه های مزدور ایرانی چون تلویزیون تمدن، تلویزیون نور، تلویزیون فردا، تلویزیون نگاه، نشریه اوت لوک، نشریه افغانستان، نشریه ماندگار، نشریه اقتدار ملی، نشریه مشارکت ملی، رادیوی راه فردا و در مجموع نشرات همکار «مهر» که در آن جاسوسان اطلاعاتی ایران گرد آمده و به نفع ایران کار می کنند با سکوت، مرگ این ۲۰ تن را برگزار کرده و حال نقاب این نشرات با این سکوت نزد همه دریده شده است.

سلاح های جدید امریکائی:

چندی قبل امریکائی ها اعلان کردند که در جنگ افغانستان سلاح جدیدی وارد ساخته اند. این سلاح که هوشمند نام دارد و نوع راکت انداز شانه ای است که توسط یک نفر انتقال و انداخت شده می تواند. این موشک انداز که با وسایل الکتریکی عیار می گردد، قادر است به صورت مقوس آن سوی دیوار ها را هدف قرار دهد و راکت آن با پخش پارچه های آن کشنده می باشد. امریکائی ها به این باورند که این راکت انداز با توجه به ساخت قریه ها و دیوار های قریه ها بسیار موثر خواهد بود و می تواند، دشمن را در عقب دیوار ها مورد حمله قرار دهد. هدف گیری آن بسیار دقیق است و بعد از این طالبان نمی توانند از دیوار ها به عنوان سنگر استفاده کنند. سلاح جدید دیگری که امریکائی ها وارد جنگ افغانستان کرده اند، نوعی طیاره بی پیلوت است که دارای نه کامره مخصوص فلم برداری می باشد. این کمره ها می توانند در هر دم ۶۰ تصویر متحرک را در اختیار نیرو های زمینی قرار دهند. به این صورت بعد از این نیروهای امریکائی قادر اند تا دشمن را از هوا کنترل و تعقیب کنند. در این حال گفته میشود که چون در این اواخر نیرو های امریکا در افغانستان بیشتر به بخش هوایی اش ارزش قایل اند، تعداد افراد خود را در قوای هوایی حاضر در افغانستان از ۵۲ تن به ۱۳۴ تن رسانده اند.

قاری حسین مسعود به قتل رسید:

اکنون به اثبات رسیده است که قاری حسین مسعود، پسر کاکای حکیم الله مسعود در حمله ماه اکتوبر طیاره های بی پیلوت امریکائی در وزیرستان به قتل رسیده است. قاری حسین مسعود یکی از فرماندهان ارشد و مهم طالبان در وزیرستان بود. او رهبری یکی از کمپ های مهم حملات انتحاری را در وزیرستان به عهده داشت. این انتحاری ها هم در افغانستان و هم در پاکستان مورد استفاده قرار می گرفتند. این کمپ به مثابه یکی از کمپ های مرگ، برای طالبان در افغانستان و پاکستان بسیار مهم بود و به این خاطر مرگ قاری حسین ضایعه مهمی برای طالبان دو

طرف به حساب می آید. یکجا با قاری حسین یکی از قومندانان مهم ورزمی طالبان به اسم عظمت الله نیز در این حمله به قتل رسید که مرگ او هم می تواند برای طالبان و القاعده گران تمام شود.

اتحاد دولت پوشالی با طالبان:

دولت دست نشانده کابل و حامیان اشغالگر آن که حال روی وحدت با گروه جاهل طالبان کار می کنند، در این اواخر کار های نسبتاً مهمی در این راستا انجام داده اند. بیش از ۲۰۰ تن از طالبان در ولایات کندز، هرات و غور به دولت پیوسته و اینکه چقدر با این پیوستن به دولت صادق اند، در حال حاضر نمی توان پیشبینی کرد. در «ساروان قلاع» مربوط به ولسوالی موسی قلعه با اینکه سالها در آن حاکمیت طالبان جاری بود، اما از جایی که در آن قوم الکوزائی که یکی از شاخه های درانی نزدیک به کرزی است زندگی می کردند، به تاریخ اول جنوری با عقد پروتوکولی با دولت در اتحاد قرار گرفت. در این جلسه که گلاب منگل والی هلمند و بادارن انگلیسی او هم حضور داشتند، ریش سفیدان محل از نیرو های خارجی خواستند که بعد از این وارد قریه شان نشوند و آنان نیز طالبان خارجی را اجازه ای ورود به ده شان نخواهند داد و به این صورت دو طرف بر این شروط امضاء کردند.

از سوی دیگر در ولسوالی اندر ولایت غزنی بیش از بیست مکتب به طالبان تحویل داده شد. طالبان معلمان این مکاتب را رخصت کرده و معلمان طالب را به جای آنان مقرر کردند و عوض نصاب درسی دولتی نصاب خود را قرار دادند، از جائیکه فاروق وردک وزیر معارف از بنیاد گرایان گلبدینی است لذا به چنین کاری تمکین کرده و همراه معاش این معلمان طالب را به اندر می فرستد و طالبان به هر شکلی که بخواهند درس های خود را با این متعلمان مکاتب به پیش میبرند.

اظهارت سناتور امریکائی:

یک سناتور امریکائی به نام لیندسی گراهام در مصاحبه با شبکه تلویزیونی ان بی سی گفته است که افغانستان باید پایگاه دایمی برای حضور نیروهای امریکائی در خاک افغانستان در اختیار امریکا قرار دهد. این خبر از سوی عاملان امریکا ظاهراً با عصبانیت خاصی رو به رو شد. آنان دولت افغانستان را که نزد خارجی ها به اندازه یک پشقل اهمیت ندارد عنوان کرده که تا از این دولت توافق نگیرد حق چنین ادعائی را ندارند. این بدان معناست که باید برای اینکه امریکا پایگاه دایمی در افغانستان بگیرد، از این پشقل اجازه بخواهد و چون کسی شکی ندارد که با اولین پیشنهاد به امضاء می رسد، پس برای دولت پوشالی افغانستان چنین صلاحیتی را می دهند. دولت افغانستان جز جاسوسان سیا کی بوده می تواند و امریکا برای گرفتن چنین مجوزی چه مشکلی دارد؟ وحید عمر سخنگوی برکنار شده کرزی این را به آب و تاب بیان کرد و گفت برای این کار باید امریکائی ها به دولت افغانستان مراجعه کنند نه اینکه سر به خود به چنین کار هائی دست بزنند. این اعلان خاطر کسانی را که فکر می کردند، حامیان امریکائی شان بعد از ۱۰۱۴ از افغانستان بیرون می شوند، به کلی خاطر جمع کرد. زیرا چنین اعلان هائی تصادفی نبوده و عمق نظر دولت امریکا را به نمایش می گذارد، مخصوصاً که لیندسی گراهام فعلاً هم در سنای امریکا به عنوان نماینده جمهوری خواه حضور دارد.

صد ها کارگر افغان به ایتالیا فرستاده می شوند:

سخنگوی وزیر فواید عامه به روز ۳ جنوری در کابل اعلان کرد که ایتالوی ها تصمیم دارند که چند صد کارگر برف پاک کن را به ایتالیا جهت آموزش ببرند. سال گذشته در اثر برف کوچ در سالنک ۱۵۰ تن از مسافران به قتل رسیدند. به این خاطر ایتالیا می خواهد که در قدم اول ۲۰۰ تن از این کارگران را برده و در آنجا برایشان آموزش بدهند که چگونه در چنین مواردی انسانها را نجات دهند و همچنان این کشور می خواهد که برای کارکنان سالنک لوازم و ابزار پاک کردن برف را نیز بدهند.

با این که آموزش کارگران حد اقل برای نجات جان خودشان در ساحات برفگیر کشور از جمله سالنک ها مفید می باشد، اما تجربه در چند سال اخیر نشان داده که چنین رفت و آمد ها و آموزش هائی نه تنها برای این کارگران مفید نبوده که دونه های این کشور با فساد می آلوده اند، می خواهند با چنین پروژه هائی جیب های خود را پر بسازند، مخصوصاً ایتالوی ها که فاسد ترین دولت اروپائی را در اختیار دارد و در سالهای حضور خود در افغانستان بیشتر به کارهای استخباراتی اشتغال داشته و برخی از کار های شان بعد از جنگ دوم در خدمت سازمان اطلاعات امریکا قرار داشته است و از این طریق سیا را در میان تشکلات بسیاری جا داده است.

قطار استعفاء:

وحید عمر سخنگوی کرزی به روز دوم جنوری استعفاء داد، گرچه گفته می شود که تا حال کرزی استعفاء او را نپذیرفته است، اما وی می گوید که کارش در این وظیفه پایان یافته است، داوود مرادیان رئیس دفتر مطالعات ستراتیژیک وزارت خارجه نیز از کار برکنار شده است. او که در یکی از پوهنتون های اسکاتلند استاد بوده، نظر جدی مخالفت با مصالحه طالبان را دارد. اما شایعاتی وجود دارد که تعداد زیادی از افراد دولتی که به خارجی ها نزدیک اند، از مقام های شان برکنار می شوند که در میان آنان نام های سپینتا وزیر مشاور امنیت ملی، داوودزی رئیس دفتر کرزی، جیلانی پوپل رئیس ارگان های محلی قدرت گرفته می شود. برخی ها بر این باورند که اینان در نظر اند تا بعد از شروع کار ولسی جرگه در کابینه جدید سمت های دیگری را اشغال نمایند. اما برخی دیگر به این باورند که اینان میان سالانی اند که جداً وابسته به دموکراسی غربی بوده و ابزار های مهم سیاست نفوذی غرب در افغانستان را می سازند و به این خاطر برای روز های بعدی ذخیره و نگهداری می شوند. در این میان گفته می شود که جاوید لودین سخنگوی و رئیس قبلی دفتر کرزی نیز از کانادا به کابل آمده است و شاید در روز های بعدی به یکی از مقامات دولتی در ارگ مقرر گردد.

معاون قبلی بن لادن به قتل رسید:

نصیر الوحیسی که اهل یمن است تا سال ۲۰۰۰ مشاور ارشد و معاون اسامه بن لادن بود. او بعد رهبری برخی از گروه های القاعده را در پاکستان به عهده گرفته و در تماس نزدیکی با اسامه قرار داشت. وی در ۲۸ دسمبر در اثر بمباران های بیابانی طیاره های بی پیلوت امریکائی در منطقه غلام خان وزیرستان شمالی به قتل رسید. در این بمباران که سه بار در یکروز صورت گرفت، صد ها تن از اعضای گروه طالبان به شمول زنان و کودکان شان به قتل رسیدند. در میان این کشته شدگان شش تن از اعراب نیز وجود داشت که نصیر الوحیسی یکی از آنان بود.